

خشت اول



انسان کاسب است

امیرالمؤمنین علیه السلام اهل تقوا را دارای ارزش ها و فضایی می داند که دیگر مردم آنها را ندارند و علت نداشتن فضایل نیز خود آنان هستند. این طور نیست که اراده خدا بر این تعلق گرفته باشد که گروهی از آن فضایل و ارزش ها محروم باشند و گروه دیگری که اهل تقوا هستند، از جانب خدا از این فضایل برخوردار باشند.

به نظر رسول خدا صلی الله علیه وآله انسان کاسب است. این تعبیر در آن فضایل و ارزش ها محروم می شوند.

فرمایش های پیغمبر صلی الله علیه وآله نسبت به امور معنوی آمده است، نه امور مادی. می فرماید: مردم کاسب معنویات هستند البته کاسباتنی هستند که نسبت به کسب امور معنوی تنبلی و سستی می کنند و شوق و ذوقی نشان نمی دهند. این اشخاص با دست خود از فضایل و ارزش ها محروم می شوند.

کسانی نیز به این ارزش ها را می کنند، سختی های مسیر و به دست آوردنشان را تحمل می کنند. یکی از زیباترین آیات در این زمینه این آیه است:
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لِنَافِعِهِ أَنْ يَسْأَلِ فِي شَيْءٍ مِّنْهُ ذَلَّةً

«اما سعی را مربوط به خود انسان کرده است که لبس لئالستان» نه لبس لئالستان الا من جانب الله، برای انسان نیست (الا ما سعی» مگر چیزی که خودت می گویند. عفت در مقابل زبان، ضرر و هجمه است؛ اهل عفت همیشه در برابر آلودگی ها و شهوات بوده اند. این آلودگی ها، گناهان و شهوات، یعنی زمان ما نیست، قبلاً نیز بوده است. از ابتدای تاریخ عبودیت بوده است.

گناه گنیت و ارزش انسان را پایین می آورد، به همین دلیل پروردگار در قرآن از گناه به اثم، فسق، عصیان و ذنب، تعبیر کرده است. این ها همه در قرآن آمده است. اثم، یعنی کار و عملی که قیمت آن انسان را نزد پروردگار پایین می آورد و اگر مداوم پیدا کند، آن وقت هنگام مردن می گویند: او نمی ارزد که به او ارفاق کنیم.

شخصی از وجود مبارک حضرت زین العابدین علیه السلام سؤال می کند: تقوا را برای من معنی کن.

چون سوال کننده غریب بود و لباس عربی تنش بود، ایشان در جواب این سوال کننده پرسیدند: شما از بیابانی پر از خار عبور کرده ای؟ گفت: بله. چون هر عربی در بیابان های عرب عبور داشته است. گفت: آیا پیاده می گردی؟ گفت: گله. گفت: چگونه عبور کردی؟ بیابانی که پر از خار است و تو نیز ناچار هستی که عبور کنی، چگونه عبور کردی؟ در جواب گفت: هم مواظب پاهایم بودم که به نوک این خارها گیر نکنند تا پاره شود و هم مواظب ساق پایم بودم که خار آن را زخمی نکنند. گفت: تقوا نیز همین است؛ از زمانی که وارد تکلیف می شوی تا شب مرگ، مسیر زندگی پر از خار گناه و معصیت است، فسق، فجور، شهوات حرام، تقوا یعنی از لایلای این همه خار یا مواظقتی خاص گشتن که به قلب، نفس، اخلاق و اعمال زخم نخورد.

چاره ای نداری و باید از این جاده عبور کنی. جاده نیز از زمان تولد آدم علیه السلام خراب شده و یک مسیر خراب شده است. باید از این جاده عبور کنی. در هر زمانی که قرار بگیری،د، زمانه پوشیده به این فساد، گناه و معصیت است.

انبیاء الهی علیهم السلام خیلی علاقه داشتند که در هر زمانی پاکسازی کاملی انجام گیرد، اما نشد، زیرا از هر ده نفر، یک نفر نیز به حرف انبیا علیهم السلام گوش نمی داد. در برنامه های فقه و آله می فرمایند: به حرف انبیا علیهم السلام گوش نمی داندن. بالاتر از این افراد خاستران زندگی را تشکیل دادند. همه مجبور هستند که از لایلای این خارها در شوند که پیغمبر ارضی صلی الله علیه وآله می فرماید: ممکن است این خار در زندگی، پدر، مادر، همسر و فرزندان، دوستان، دولت یا مردم باشند. تقوا یعنی سالم و همراه با مواظبت و مراقبت عبور کردن. مسأله تقوا خیلی عجیب است.

مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لِنَفْسِهِ مِنْ حَرْجٍ مَّا يَرْجُؤُهَا مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لِنَفْسِهِ مَا يَرْجُؤُهَا

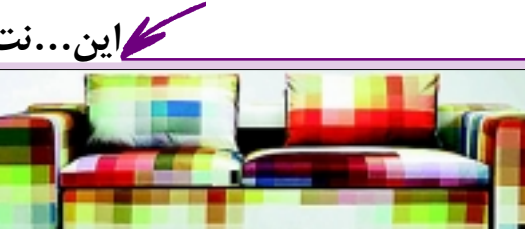
علی اله فُؤُ حَسْبُهُ»

این آیه خیلی عجیبی است. این آیه را لا اقل چهل روز در زندگی خود امتحان کنید. پروردگار دارد وعده قطعی می دهد: کسی که تقوا را مراعات کند، من به خاطر تقوا، بن بست هایی که برای او به وجود آمده است را باز می کند. هر گاه یکی که به زندگی او خورده باز می کنم و مشکلاتی که برای او پدید آمده، برطرف می کنم؛ درب روزی را از جایی که خیال نمی کند به روی او باز می کنم… مردی در بازار برده فروشان دنبال برده ای می رفت، چند نفری را به او نشان دادند. نگاهي به چهره آن چند نفر می کند و یکی از آنها را انتخاب می کند. می گوید: من این غلام را بخرم، اما می خواهم یا او کمی حرف بزنم. به برده می گوید: چه می پوشی؟ برده می گوید: لباس شمشي، چه می خوری؟ آبگوشت. چندتر کار می کنی؟ ۱۰ ساعت. مرد گفت: نه، این به درد من نمی خورد. به مغازه برده فروش دیگری می رود، آنجا نیز برده ای را می بیند و می پرسند و همین سؤالات را می کند و او نیز جواب هایی می دهد و او دوباره می گوید: نه، این نیز به درد من نمی خورد.

به سوسین مغازه می رود. برده ای را انتخاب می کند. از او همین سؤال ها را می کند. پاسخ می دهد: هر چه می توانی من به من عنایت کند. می گوید: من این برده را می خواهم!

… تقوا یعنی خدایا! هر چه بگویم انجام می دهم، روزی مرا آنچه مقرر کردی قبول دارم، این حال شخص باتقواست…

■ حجت الاسلام والمسلمین حسین انصاریان



شیعه پرندۀ ای با است. که هیچ مانعی نمی تواند مانع پروازش شود، پرندۀ ای ست که دو بال دارد. یک بال سبز و یک بال سرخ. بال سبز این پرندۀ همان مهدویت و عدالت خواهی اوست، چون شیعه در انتظار عدالت به سر می برد؛ امیدوار است و انسان امیدوار هم شکست ناپذیر است. بال سرخ شیعه هم، شهادت طلبی است که ریشه در کربلا دارد و شیعه را

تفناپذیر کرده است.

ما اگر خودمان را درست بکنیم، خدا کافی است، خدا هادی است.

دقت کردین وقتی نوی به جمعی یکی میگه: اون تویزینو تکمش کن!

سریع یکی دیگه از اونور میگه، امن خاموشش کن!

در هوس دیدن شش گوشه دم تلم تلم ندارد(ر اقا) چه شود جمعه این هفته

بیابی ما را

بر روی دفتر شرم نوشته ام: ناپره دور رخ…کنج به من داده ای حسین(ع)

زندگی تنها یادداشتی است که چراک نویس ندارد، مراقب باش یا

اشتباه نکنی یا خیلی کم اشتباهه کنی!

دل عجب موجود سخت جانی است… هزار بار با تنگ می شوی، می شکندی،

می سوزد، می میرد و باز هم می تپد…

دیوار به دیوار همسایه دلت می شوم

یا دور مثل بالشهری ها، از همسایه ای بی خبری…

نسل سوم

nasle3@Kayhannews.ir

بازگشت عیاران

این خیریه مجازی است اما واقعا همت را برای اهل دل زنده کرده است



دربای متلاطم اینترنت و فضای مجازی که معجونی بی مانند است از مروراید و گنج در کنار لجن و سنگ‌ریزه…
صیادانی را شناسایی کرد که بی منت هر زمان طلب کنی، تور حجت و کرامت خود را می اندازند و به اندازه دل‌شان، مروراید مهر صید می کنند. شیوه کار این عیاران فضای مجازی هم شیوه جالبی است، آن ها سفره دلشان را خیلی ساده برای همه پهن می کنند و می نویسند که عیاران خیریه همت جوآنان در اداره کل ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی به شماره ۲۹۹۰۰ و با شناسنامه ملی ۰۱۳۳۹۰۸۱۳۳۹۶ در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۹۱ ثبت شده است.
«شیوه کار عیاران مجازی»
شاید وقتی این خیریه راه اندازی شد کسی باور نمی کرد که بشود از این

زنده باد شاعر عزیز که هفته گذشته در جریان رومانیایی از کتاب جدید مجید قیصری «سه کاهن» درباره زندگی پیامبر (ص)، به صادق هدایت تعلق داد.
علی حرقش ایستاد، علی موسوی گرم‌رودی به امام حسین(ع) داشته، لعن فرستاد و با وجود فشارها و اهانت‌های بدی که در برخی محافل و فضاهای مجازی به او شد، از این موضع خود کوتاه نیامد؛ زنده باد که اصلی‌ترین سرمایه هر ایرانی را به پهای طرفداران یک نویسنده و ششام شنیدن و متکلم حرمت، نفروخت.

آقایان و خانم‌های خیلی خیلی شیبه روشنفکر، امام حسین(ع) برای

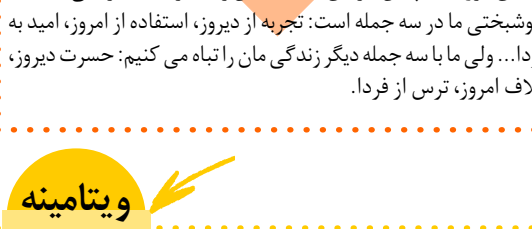
ما یعنی همه چیز!

زنده باد مقاومت، مقاومت ملت مظلوم فلسطین و مردم بی‌پناه و عزیز غزه.
مردمی که سبیلی تاریخی به اسرائیلی‌های افسارگسیخته زوند، طوری که در تاریخ ثبت شد، بزرگ ترین ارتش منظم جهان(به اعتراف همه ره‌سانه‌های غربی) در برابر یک ملت مظلوم و بی‌پناه، زانو زد. هشت روز چنان باسج دندان شکنی به خونخواران تاریخ معاصر داد که خواب شیرین از سرشان پرید.
آنها که هر گز فکر نمی کردند، امنیت تل آویو حتی برای دقیقه‌ای شکسته نشود، انفجار اتوبوس در قلب شهرک‌های اشغالی‌شان را تجربه کردند، ترس و لرز موشک‌های ایرانی را با گوشش و پوست حس کردند و آموختند که اسلام با پرچم سرخ سپیدالمسلمین (راهی برای شکست برای امت اسلامی نگذاشتند و فرزندان مکتب کربلا، هر گز در برابر مظلوم، هرگز تسلیم فرو نمی‌آوردند.
زنده باد دفاع جانانه و حمله شجاعانه شما.

مرد باد سازمان‌های دروغین مدعی حقوق بشر، سازمان‌های عریض و طویل بی‌بناهی‌های انبکی و مینتیک‌های پوشالی و شعاردادن‌های سیاسی.
مرده باد نمایندگانیکه در ساختمان سازمان ملل تنها دغدغه‌شان لیخند رضایت آمریکا و انگلیس و اسرائیل است و در برابر جان دادن دختر دوازده ساله بر اثر شلیک گلوله خمپاره و تکه تکه شدن طفل دوماهه به خاطر ترکش موشک درندگان اسرائیلی، اگر همت کنند تنها سلبه‌ای بر کمرز می‌کنند که هیچ خروچی جز وقت کشی برای نسل کشی ندارد.
تنگ این نمایندگان بر پیشانی ملت‌های میزبان چنین مردان و زنانی است.

مرده باد سلطنت امیرنشینان پست و تن پروری که رقص شمشیر با خونخواران عالم را همراه با مستی جرعه جرعه شراب هفتاد ساله حصر فلسطین و مرخص چنان مزه مزه کرده‌اند که دیگر برایشان فرقی نمی‌کند هم نسلان و هم کیشان خود در سرزمینی دیگر، قتل عام می‌شوند و آنها سرخوشانه از چاه‌های نفت، بنوشند و فریه تر شوند.
مرده باد دهان‌هایی که با خون، سیراب می‌شود و سیری ناپذیر است در جنگ کل و باطل.

■ **فرهاد کاهو**



محمدحسین جعفریان را تقریباً اهالی رسانه و اهل ادبیات خوب می‌شناسند. هم‌روزنامه نگار است هم شاعر و هم نویسنده. سال‌ها در کشور همسایه زندگی کرده و خوب افغانستان و افغانی‌ها را می‌شناسد و به همین دلیل هم یک کتاب خواندنی را در سوره مهر منتشر کرده تا هم اطلاعات خود را در اختیار همه بگذارد و هم طعم کاغذ خاطرات را حس کند. «در پایتخت فراموشی» حاشیه نویسی سافر مشترک محمدحسین جعفریان و بهروز افخمی به کابل و پنجشیر است. از تهران تا کابل، کابل؛ چند ماه پس از خروج طالبان، سیمپار آغاز می‌شود، از کوهسنگی تا پارک زنگار، سفر به پنجشیر، بازگشت به کابل و حکایت آخرین روزها، عناون فصل‌های این کتاب خواندنی هستند. جعفریان درباره این کتاب می‌گوید: «سعی کردم با به تصویر کشیدن کابل پس از آزادی از دست طالبان بر جدابیت آن بيفزایم و به همین خاطر ابایی ندارم که بگویم «در پایتخت فراموشی»

بخشی از تاریخ مستند معاصر افغانستان است.» اگر می‌خواهید هم سفرنامه بخوانید و هم زبان افغانی یاد بگیرید و هم لحظه‌های جالبی را در خاطرات‌تان ثبت کنید، معطل نکنید که این کتاب، خودش است! بخشی از این کتاب را در ادامه می‌خوانید:

گاه‌گاه خلبان برای چهار حزب در یک سال خدمت کرده بود. هر نیرویی که فرودگاه را تصرف می کرد، مجبور بود از او استفاده کند و او نیز مجبور بود تا در خدمت قوای پیروز باشد! البته در این میان گرایش‌های قومی نیز نقش عمده ای داشتند. نتیجه آن شده بود که خلبان‌های همکار و همکلاس قدیمی که همه با هم و اغلب در شوروی سابق آموزش دیده بودند، اکنون بین قوای متخاصم داخلی تقسیم شده و هر یک به خدمت یکی از طرفین جنگ در آمده بودند. من خود شاهد یکی از این اتفاقات مجیرالعقول و فراموش نشدنی بودم. یک بار با الگردی که یکی از خلبان‌های وابسته به مسعود خلبانش بود از تاجیکستان به سمت پایگاهی در نداد و تا دو روز بعد گرفتارش بود!



خیال‌کنیکه که داستان جوانمردی همین چیزی است که به اسم سریال ویژه شب‌ها از شبکه اول به‌خورد ما می‌دهند، نه خیر! جوانمردی اصولاً با بوق و کرنا فاصله زیادی دارد و اگر کسی با جمعی را دیدید که از این رهگذر خودی نشان داندن، بدانید داستان چیز دیگری است و قضیه خیلی متفاوت است با آنچه در ذهن دارید.
قاعده این است که جوانمردان مردان و زنان در سایه‌اند، کسی نه آنها را می‌شناسد و نه آنها خود را به دیگران نشان می‌دهند.
واژه جوانمرد نزدیکی خاصی با واژه گمنام دارد و شاید اصلی‌ترین اصل جوانمردی گمنامی باشد؛ آن‌هم نه از این تریب‌های جوانان نابلو و تابلوآر سریال «ارستش را بگو» نه خیر؛ گمنامی از نوع ناشناسی.
دو جوانمرد عالم تا روز ضریح خوردن و دیرشدن نوبت‌های مراجعه به خانه فقرا، ناشناخته بود آن‌هم در اوج قدرت! دفتر و تابلو و کارت عضویت و همایش و میتینگ هم نداشت. حالا هم یک عده هم نسلی و دغدغه‌مند دور هم جمع شده‌اند تا همان رسم جوانمردی را زنده کنند و نگذارند چراغ این مکتب عاشقی در لابه‌لای دود و دهر شهر نشینی غرب زده و منفعت طلب خودمحر، خاموش شود. کمی با آنها و سبک کاری‌شان آشنا شویم اگرچه آنها تنها نیستند و در این شهر، جوانمردان زیادی، چراغ خانه‌های بهت زده و نگران را روشن می‌کنند

■ تخریب‌ریه نسل سوم

حقوق و آباد کرد آن دنیایی را که خیلی

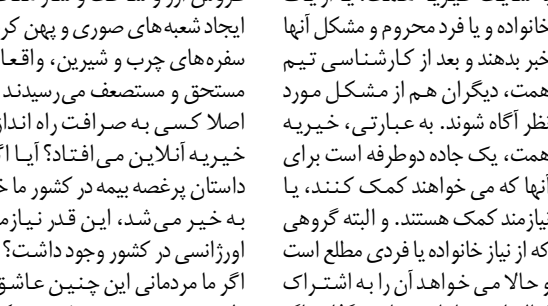
دستمان تنگ می‌شود و کسی هم جز خود حضرتش فریادس ما نخواهد شد.

آنها تکثیر می‌شوند

اگر حوصله داشتید بازهم سری به اینترنت بزیند و سرچی کنید درباره اینت خیریه‌های مجازی، کم نیستند و زیاد می‌شوند؛ همین عید فطر اسامال چند سایت خیریه دیگر متولد شد و اغلب هم با صداقت و شناسنامه معتبر وارد گرد می‌شوند؛ مثل همین خیریه هارت که نام همه‌اعضای آن در سایت منتشر شده است. اما این یک هشدار است؛ چه شده است که هم

از دوستان مستول به جای خرید و فروش ازز و ساخت و ساز ملگ و ایجاد شعبه‌های صوری و بهن کردن سرفه‌های چرپ و شیرین، واقعا به مستند، توان هدلی‌یاری ما کرده‌اند؟ خیریه‌ها می‌توانند با مراجعه به سایت خیریه همت، با از یک کارشناسی تیم همت، دیگران هم از مشکل مورد نظر آگاه شوند. به عبارتی، خیریه همت، یک چاهه حوض است برای آنکه ما می‌خواهد کمک کند، یا نیازمند کمک هستند. و البته گروهی که از نیاز خانواده یا فردی مطلع است که از نیاز خانواده یا فردی مطلع است و حالا می‌خواهد آن را به اشتراک بگذارد، هم در میان است. اما این سفاکانه سخات بگذارد. اگر شعا هم جزه هر کدام از این گروه‌ها هستند، بی‌سبب الله، باقیات الصالحات چیزی نیست که بگذاریم برای لیخند یاری کنند، لیخند محرجی واسط و فریختن آن عزیز هموطنی که هم می‌شود، دل داد به دست حضرت

رسیده‌ها



یکی از همراهان نسل سوم از رومانی برای ما گزارشی ارسال کرده که بخش‌هایی از آن را در ادامه می‌خوانید:

مراسم عزاداری تاسوعا و عاشورای حسینی در بخارست رومانی متفاوت از جاهای دیگر است. اینجا از سینه‌جات در کوچه‌ها و خیابان‌های خبری نیست، نصب پرچم‌های رنگارنگ مزین به نام مبارک امام حسین(ع) و شهدای کربلا و اهل بیت(ع) سر در خانه‌ها و ادارات خبری نیست. اینجا بوی غربت

می‌دهد. جوانان اینجا نمی‌توانند در تاسوعا و عاشورا توی کوچه و خیابان علم حسین(ع) و عباس(ع) به دست بگیرند. در غربت مراسم عزاداری برگزار می‌شود. اینجا خانه‌دل هر شیعه حسینی‌ه ای است که روضه عززا برای سرور و شهیدان برپا کرده است.

در ادارات و خانه‌ها و از روضه امام(ع) خبری نیست، بلکه هر شیعه در اداره و بازار و محل کار و خانه خویش، در دل خودروضه خوانی می‌کند. حتی برایی مراسم در اطراف خانه‌های محل مسکونی مضموع است و باید محلی را برای عزاداری عمومی انتخاب کرد تا مورد تایید و مجوز شهرداری باشد.

محرم اسمال همانند سالهای گذشته شیعیان ایران، لبنان، عراق و ترکیه مقیم در بخارست رومانی مراسم عزاداری امام حسین(ع) را برپا نمودند. هیئت مردمی عشاق الحسین رومانی که از شیعیان ایرانی تشکیل شده، هرشب به مدت ۳ساعت به عزاداری می‌پردازند و عاشقانه خودرا از فاصله‌های دور به این محفل می‌رسانند.

علاوه بر نماز جماعت و تلاوت یک صفحه از قرآن کریم همراه ترجمه، سخنرانی، سینه زنی، زیارت عاشورا، شام وپاستگویی به شهادت و سوالات شرعی توسط حجت الاسلام سیدجوانذور موسوی از حوزه علمیه قم جزو برنامه‌های این هیئت است. از ایرانیان مقیم رومانی با حضور در هیئت مردمی عشاق الحسین بخارست با عشق و شور حال خاصی به عزاداری سرور و سالار شهیدان حسین ابن‌علی(ع) می‌پردازند و جان‌های شفیفته خودرا در آتش عشق اباعبدالله آرام می‌کنند و به عالم نابت می‌کنند که هیچ مانع و محدودیتی نمی‌تواند، حسین(ع) را از شیعیان و آزادگان جهان جدا کند.



علاوه بر نماز جماعت و تلاوت یک صفحه از قرآن کریم همراه ترجمه، سخنرانی، سینه زنی، زیارت عاشورا، شام وپاستگویی به شهادت و سوالات شرعی توسط حجت الاسلام سیدجوانذور موسوی از حوزه علمیه قم جزو برنامه‌های این هیئت است. از ایرانیان مقیم رومانی با حضور در هیئت مردمی عشاق الحسین بخارست با عشق و شور حال خاصی به عزاداری سرور و سالار شهیدان حسین ابن‌علی(ع) می‌پردازند و جان‌های شفیفته خودرا در آتش عشق اباعبدالله آرام می‌کنند و به عالم نابت می‌کنند که هیچ مانع و محدودیتی نمی‌تواند، حسین(ع) را از شیعیان و آزادگان جهان جدا کند.

علاوه بر نماز جماعت و تلاوت یک صفحه از قرآن کریم همراه ترجمه، سخنرانی، سینه زنی، زیارت عاشورا، شام وپاستگویی به شهادت و سوالات شرعی توسط حجت الاسلام سیدجوانذور موسوی از حوزه علمیه قم جزو برنامه‌های این هیئت است. از ایرانیان مقیم رومانی با حضور در هیئت مردمی عشاق الحسین بخارست با عشق و شور حال خاصی به عزاداری سرور و سالار شهیدان حسین ابن‌علی(ع) می‌پردازند و جان‌های شفیفته خودرا در آتش عشق اباعبدالله آرام می‌کنند و به عالم نابت می‌کنند که هیچ مانع و محدودیتی نمی‌تواند، حسین(ع) را از شیعیان و آزادگان جهان جدا کند.

علاوه بر نماز جماعت و تلاوت یک صفحه از قرآن کریم همراه ترجمه، سخنرانی، سینه زنی، زیارت عاشورا، شام وپاستگویی به شهادت و سوالات شرعی توسط حجت الاسلام سیدجوانذور موسوی از حوزه علمیه قم جزو برنامه‌های این هیئت است. از ایرانیان مقیم رومانی با حضور در هیئت مردمی عشاق الحسین بخارست با عشق و شور حال خاصی به عزاداری سرور و سالار شهیدان حسین ابن‌علی(ع) می‌پردازند و جان‌های شفیفته خودرا در آتش عشق اباعبدالله آرام می‌کنند و به عالم نابت می‌کنند که هیچ مانع و محدودیتی نمی‌تواند، حسین(ع) را از شیعیان و آزادگان جهان جدا کند.

■ مهدی‌عبدی